



مروری بر زندگی سراسر حماسه اسطوره
مقاومت اسلامی «شهید عماد مغنیه»
مردی که با شهادتش از پس
پرده گمنامی برون آمد

۷



تحلیلی بر رشد فزاینده نزدیکی مقاومت
اسلامی فلسطین به ایران
حماس: انقلابی تر
از همیشه

۴



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس ◀ شماره ۵۲ ▶ دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۶ ▶ ۲۵ جمادی الاول ۱۴۳۹ ▶ ۱۲ فوریه ۲۰۱۸



۲

نگاهی بر حکم تاریخی امام خمینی (ره) درباره اعدام سلمان رشدی

واجب فراموشی شده

انقلاب اسلامی و مسئله فلسطین

محمد مهدی رحیمی



تنها عروزی پس از انقلاب ۱۳۵۷ یاسر عرفات اولین مهمان خارجی ایران بود. هواپیمای او با وجود تعطیلی فرودگاه مهرآباد بر زمین نشست و به محض ورود در پاسخ به دلیل اطلاع ندادن سفارش گرفت: «آدم برای رفتن به خانه‌اش اجازه نمی‌گیرد، من هم اجازه نگرفتم» ابوعمار سپس به مدرسه علوی رفت و با امام خمینی (ره) دیدار کرد. او سپس به بهشت زهرا رفت و در سخنرانی‌اش گفت: «به موشه دایان گفتیم آمریکا مال تو، من به ایران تکیه می‌کنم.» او یک هفته در ایران ماند و به مشهد و خوزستان هم سفر کرد. اینکه رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، که آن روزها شناخته‌شده‌ترین چهره فلسطینی در جهان بود، در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در ایران خود را به تهران می‌رساند و از تکیه‌اش به حکومت ایران سخن می‌گوید، بی دلیل و تصادفی نیست. هر کس که مواضع رهبر کبیر این انقلاب را در دوران مبارزه و تبعید دنبال کرده باشد، حتماً می‌داند که ایشان، در کنار مسائل داخلی، پیگیر اوضاع و احوال سرزمین‌های اشغالی هم هست و از همان دوران برای صهیونیست‌های اشغالگر خط و نشان می‌کشد.

ده سال قبل در چنین روزی (۲۳ بهمن ۱۳۸۶) صهیونیست‌ها پس از مدت‌ها ناکامی، توفیقی بزرگ بدست آوردند. آنها در عملیاتی مشترک با سرویس‌های امنیتی غربی و عربی موفق شدند سرانجام پس از سالها تعقیب و گریز، مغز متفکر محور مقاومت اسلامی و فرمانده نظامی حزب‌الله را ردیابی کرده و او را محله کفرسوسه دمشق ترور کنند. «حاج عماد مغنیه» برای قریب به ربع قرن مسئله لاینتل چندین و چند سرویس امنیتی و نظامی هم پیمان بود. آنها هر چه تلاش می‌کردند، کمتر به نتیجه می‌رسیدند، حتی قرار دادن جایزه چند میلیون دلاری برای ارائه دادن هر گونه خبری درباره معاون جهادی حزب الله هم نتیجه بخش نبود. نکته مهم درباره فعالیت‌های شهید مغنیه، مسئله فلسطین است. عماد از دوران جوانی و آن هنگام که هنوز خبری از حمله رژیم صهیونیستی به لبنان نبود، برای آزادی قدس شریف پایه میدان مبارزه با اشغالگران در قالب همکاری با گروه‌های فلسطینی ساکن لبنان گذاشت و در تمام طول ۳ دهه مبارزه موفقش، همواره هدف غایی‌اش آزادی فلسطین و نابودی اسرائیل بود. برای اثبات این موضوع کافی است بدانیم جلسه‌ای که حاج عماد در آن شرکت کرده و پس از پایان جلسه در فاصله کوتاهی از آنجا، به شهادت می‌رسد هم نشستی با رهبران گروه‌های فلسطینی و در ادامه جلسات انتقال تجربه مقاومت اسلامی لبنان به ایشان، بود. جلسه‌ای که گفته می‌شود بطور خاص موضوعش انتقال تجربه «حفر تونل‌های زیرزمینی» بوده است، تجربه موفق که حزب‌الله از جنگ ۲۳ روزه در این خصوص بدست آورد و پس از آن به فلسطینی‌ها هم آموزش داد و نتیجه‌اش را تا به امروز در نبردهای رزمندگان فلسطینی با صهیونیست‌ها دیده‌ایم. تا آنجا که به صراحت مقامات صهیونیست از ضرورت جمع آوری آنها سخن می‌گویند. شهید حاج رضوان در واقع مبارزه را برای فلسطین آغاز کرد، در تمام مسیر برای آزادی آن جنگید و سرانجام هم مشخصاً در همین مسیر به شهادت رسید. از ام عماد، مادر شهیدان مغنیه، نقل است که «امام خمینی (ره) عماد را فرزند معنوی خود عنوان کرده بود» و عماد هم در تمام طول زندگی‌اش خوب حق این رابطه را بجا آورد و هر جا که احساس کرد می‌تواند گره‌ای از مشکلات انقلاب اسلامی بگشاید، دریغ نکرد.

انقلاب اسلامی ایران در حالی چهلمین سالگرد پیروزی‌اش را جشن گرفت که در تمام این ۴ دهه نشان داد که «مسئله فلسطین» برایش، موضوعی حقیقی و اصیل و رویکردش نسبت به آن واقعی و غیرنمادین است. در این مسیر اگر چه گاهی خود فلسطینی‌ها و برخی رهبران‌اش، از جمله مقامات ساف، دچار اعوجاجات و فراز و فرود شدند، اما رهبران انقلاب اسلامی و فرزندان معنوی انقلاب در اقصی نقاط جهان، همچون شهید مغنیه، نشان دادند که بر سر قدس و فلسطین معامله نمی‌کنند و همانگونه که بارها حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرموده‌اند «فلسطین مسئله اول جهان اسلام بوده و خواهد بود».



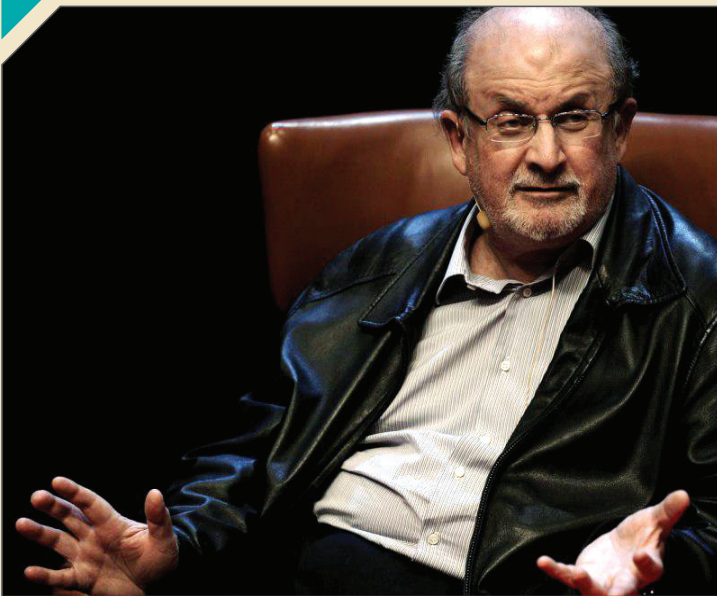
◀ جنگ افغانستان سالانه ۴۵ میلیارد دلار برای آمریکا هزینه دارد
وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که کشورش به حمایت خود از نیروهای امنیتی افغانستان، برای مبارزه با تروریسم ادامه خواهد داد.
همچنین «راندال شریور» معاون وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که جنگ افغانستان سالانه برای واشنگتن، ۴۵ میلیارد دلار هزینه دارد.
وی در ادامه گفته است که حل منازعه سیاسی و مصالحه بخش مهمی از استراتژی آمریکا در افغانستان است. به گفته شریور، کشورش با تمام توان حمایت خود از نیروهای امنیتی افغانستان علیه طالبان را ادامه خواهد داد.

نگاهی بر حکم تاریخی امام خمینی (ره) درباره اعدام سلمان رشدی

دکتر حنیف غفاری



واجب فراموش شده



۲۹ سال قبل، در ۱۴ فوریه سال ۱۹۸۹ (۲۵ بهمن) میلادی شاهد صدور فتوای تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در خصوص ارتداد سلمان رشدی و اعدام وی بودیم. سلمان رشدی که به دلیل انتقادات خاص از مارگارت تاجر نخست وزیر وقت انگلیس از خود چهره ای روشنفکر ساخته بود، پس از نوشتن داستان بلندی به نام «چه‌های نیمه شب»، توانست بزرگترین جایزه ادبی انگلیس را دریافت کند و جای خود را در نزد برخی مخاطبان ادبی و داستانی در این کشور باز کند. در سال ۱۹۸۸، سلمان رشدی آخرین اثر خود را تحت عنوان «آیات شیطانی» و با حمایت مالی هنگفت لابی‌های صهیونیستی منتشر کرد. اختصاص نیم میلیون دلار از سوی یک یهودی صهیونیست به سلمان رشدی، تنهابخشی از چنین حمایت‌هایی محسوب می‌شد. وی در این کتاب، وقیحانه‌ترین اهانت‌ها را متوجه ساحت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان مطهر ایشان ساخت. همچنین در این کتاب، صحابه بزرگوار و مانند بلال حبشی و سلمان فارسی با بدترین و سخیف‌ترین اوصاف ممکن از سوی نگارنده مورد خطاب قرار گرفتند. همانگونه که پیش بینی می‌شد، لابی‌های صهیونیستی متعاقب انتشار این اثر شیطانی، حمایت‌های خود را از آن ادامه دادند و این کتاب با تبلیغاتی گسترده از سوی این محال‌الاسلام ستیز رو به روشد.

سردمداران رژیم صهیونیستی و ایالات متحده آمریکا، علی‌رغم آگاهی نسبت به خشم و اعتراض مسلمانان در قبال اقدام سلمان رشدی، آن را اثری انقلابی خوانده و با انعقاد قراردادهای کلان در کشورهای اروپایی، آسیایی و دیگر کشورهای جهان، به ترجمه و توزیع گسترده آن پرداختند. به صورت همزمان، نهادهای امنیتی غرب نیز به محافظت از نویسنده اثر آیات شیطانی پرداختند تا به این ترتیب، هدفمند بودن اقدام غرب و رژیم صهیونیستی در تقابل با دین مبین اسلام بر همگان مسجل گردد. حتی مقامات آمریکایی یک گام فراتر نهاده و با دعوت از سلمان رشدی و همسرش به ایالات متحده، از وی خواستند تا در دفاع از این اثر وقیحانه سخنرانی کند. هر اندازه حمایت‌های تبلیغاتی غرب و رژیم صهیونیستی از اقدام سلمان رشدی بیشتر می‌شد، واکنش مسلمانان جهان نیز در این خصوص جدی‌تر می‌شد. نقطه اوج این واکنش‌ها، تظاهرات

مقامات آمریکایی یک گام فراتر نهاده و با دعوت از سلمان رشدی و همسرش به ایالات متحده، از وی خواستند تا در دفاع از این اثر وقیحانه سخنرانی کند

مسلمانان پاکستان در مقابل مرکز فرهنگی ایالات متحده آمریکا در اسلام آباد بود. این تجمع، با شهادت ۵ تن و مجروح شدن ۱۰۰ تن دیگر همراه شد. نمایندگان مجلس شورای ملی پاکستان نیز در دفاع از تظاهر کنندگان و در اعتراض به کشتار وحشیانه آنها توسط نیروهای پلیس و دولت، جلسه مجلس را ترک کردند. شهادت جمعی از مسلمانان پاکستان، نقطه عطفی در مبارزات جهان اسلام علیه کتاب آیات شیطانی، سلمان رشدی و حامیان آن محسوب می‌شد. درست در چنین مقطع حساسی حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۲۵ بهمن سال ۱۳۶۷ فتوای ارتداد و قتل نویسنده کتاب آیات شیطانی را صادر کردند. در این

مقدس پیامبر عظیم‌الشان اسلام (صلی الله علیه و آله) جسارت کرده است. بدیهی است که در چنین شرایطی فتوای حضرت امام خمینی و حکم تاریخی ایشان، معطوف به هر دو جرم نویسنده کتاب موهن آیات شیطانی می‌باشد: «کلیت ارتداد» و «ابراز کفر از طریق توهین به مقدسات اسلامی».

نکته دوم، به مسئله لزوم دفاع از حریم دین مبین اسلام و مرزهای عقیدتی آن از سوی «امت اسلامی» باز می‌گردد. حضرت امام خمینی (ره) در این حکم امت اسلامی را مورد خطاب قرار داده و اجرای حکم را منوط به جامعه یا کشوری خاص از عالم اسلامی نمروده‌اند. این رویکرد جامع‌الاطراف بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برگرفته از نوع نگاه ایشان نسبت به مفاهیم والای امت اسلامی و جهان اسلام است. بر این اساس، دفاع از حریم عقیدتی و فکری اسلام، به مثابه دفاع از جان، مال و ناموس هر انسان مسلمانی واجب می‌باشد و امت واحد اسلامی در چنین شرایطی وظیفه دارند به مثابه اجزای یک پیکر، از حریم جوامع مسلمین (در ابعاد مختلف فکری و عملی) دفاع کنند.

نکته آخر اینکه حکم حضرت امام خمینی (ره) در بهمن ماه سال ۱۳۶۷ و پس از پایان دوران دفاع مقدس صادر شد. دشمنان قسم خورده غربی و صهیونیستی نظام و انقلاب اسلامی که تصور می‌کردند به واسطه هشت سال جنگ تحمیلی، قدرت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان کاهش پیدا کرده است، به ناگهان با خیل عظیمی از حمایت‌های جهانی از حکم حضرت امام خمینی (ره) مواجه شدند. این موضوع شوک سختی به حامیان سلمان رشدی و کتاب آیات شیطانی وارد ساخت و آنها را در بهت و حیرتی عمیق فرو برد.

در نهایت اینکه با وجود گذشت سه دهه از صدور فتوای تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در خصوص سلمان رشدی، همچنان این حکم به قوت خود باقیست. بنابراین، امروز صرافا روزی برای «بازخوانی فتوای حضرت امام (ره)» نبوده و بلکه روزی برای «یادآوری» آن و تاکید بر ثبوت و استواری این فتوای غیر تمندانه است. این فتوای نام‌غیرت و آگاهی رهبر پیر و فرزانه‌ای است که دفاع از کبان اسلام را وظیفه‌ای اصلی و غیر قابل مصالحه و معامله برای امت واحد اسلامی می‌دانست.

مانند در آیه مبارکه ۲۱۷ از سوره بقره آمده است: «هر کس که از دین خود روی بگرداند، کافر شده و اعمالش نابود می‌شود و اینان اهل آتشند»
فقهای امامیه، شافعی، حنبلی و حنفی نیز جملگی بر روی این مسئله اتفاق نظر دارند که هر فردی از دین اسلام عدول کند و مرتد شود، مصداق کافر بوده و خویش حلال می‌باشد. از سوی دیگر، سلمان رشدی دارای خانواده‌ای مسلمان و خود او نیز در ابتدا مسلمانی بوده است. به عبارت بهتر، وی از دین مبین اسلام عدول کرده و حکم «ارتداد» در خصوص وی صدق می‌کند. فراتر از آن، سلمان رشدی مرتکب جرمی بزرگ‌تر یعنی توهین به مقدسات اسلامی گردیده و به ساحت



◀ پیام حزب الله به اسرائیل: هر کس به تأسیسات ما تعدی کند تأسیساتش در تیررس ما خواهد بود
 رسانه‌های وابسته به حزب الله لبنان یک پیام تصویری را در واکنش به اظهارات وزیر جنگ رژیم صهیونیستی درباره تأسیسات نفتی و گازی در آب‌های منطقه‌ای لبنان برای این رژیم فرستاد. حزب الله لبنان در این پیام با عنوان «ای صهیونیست‌ها تأسیسات‌تان را هدف قرار خواهیم داد» تصاویری را از تأسیسات نفتی تحت مدیریت اسرائیل در آب‌های خاورمیانه و تصاویری را از موشک‌های زمین به دریای حزب الله در اشاره به قدرت‌ش برای هدف قرار دادن این تأسیسات منتشر کرد.
 در این ویدیو سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان در سال ۲۰۱۱ آمده است که گفته بود: هر کسی که تأسیسات نفت و گاز در آب‌های منطقه‌ای لبنان را هدف قرار دهد تأسیساتش را هدف قرار می‌دهیم و او (دشمن) می‌داند که لبنان قادر به انجام دادن این کار است.

«ایمن النور» رئیس حزب غد الثورة مصر در گفت‌وگو با بیت المقدس:

زمینه برای شروع انقلابی دیگر در مصر فراهم است



۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ برابر با ۵ بهمن ماه ۱۳۸۹، میدان التحریر مصر، پربسامدترین کلمه رسانه‌هایی شد که خبر پایان حکومت ۳۰ ساله حسنی مبارک را مخابره کردند. عصر این روز مبارک، چهارمین رئیس جمهور جمهوری عربی مصر با فشار مخالفانش استعفای خود را از قدرت اعلام کرد و انقلاب جوانان التحریر مصر امیدمیلیون‌ها مصری شد که انتظار سرآغاز دولتی مردمی و غیر وابسته را داشتند. انقلاب ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ توانست در مدت زمان کمتر از ۱۸ روز رژیم حاکم در قاهره را ساقط کند. البته این امید دیری نپایید و کودتای ارتش علیه مرسی و سرنگونی حکومت یکساله نخستین رئیس جمهور غیر نظامی مصر، در عمل خط پایانی بر آرمان‌های انقلاب التحریر شد. بمناسبت سالگرد انقلاب التحریر گفت‌وگویی را با «ایمن النور» موسس و رئیس حزب «غد الثورة» مصر انجام داده‌ایم که شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

همزمان با سالگرد انقلاب مصر، لطفاً در خصوص زمینه‌ها و ابعاد این انقلاب و قیام مردمی توضیح دهید. به نظر شما آیا این انقلاب شکست خورده است؟

انقلاب ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ در مصر شکست نخورده است اما از همان سال ۲۰۱۱ و پس از کنار رفتن «حسنی مبارک» از قدرت، انقلابی دیگر در برابر انقلاب ژانویه مصر ایستاد. قدرت نظامی در دوره انتقال حکومت، امور را در دست گرفت و انقلاب را به جهتی مخالف با اهداف آن سوق داد. این روند موجب شد که انقلاب مرتکب خطاهای بسیاری شود و این خطاها به دلیل شرایط ایجاد شده پس از کودتای نظامی ژنرال «عبدالفتاح السیسی» رخ داد. وی روند دموکراسی را به مسیر فاشیستی به همراه خشونت و خونی‌ریزی در کشور تبدیل کرد. همچنین اتحادی را که میان مردم مصر وجود داشت، از بین برد و مردم را دچار انشقاق و دشمنی با یکدیگر کرد. ملت مصر اعم از شیعه و سنی از زمان انقلاب ۱۹۱۷ و پس از آن با یکدیگر وحدت داشتند اما طی سال‌های اخیر دچار انشقاق و عدم وحدت شدند.

باتوجه به گذشت حدود ۷ سال از انقلاب ژانویه مصر، شرایط کشور مصر را در حال حاضر چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از دیدگاه شما تا چه میزان اهداف انقلابیون محقق شده است؟

پیش از انقلاب ژانویه سال ۲۰۱۱، جامعه مصر طبقاتی بود و ثروت و قدرت در آن در احتکار و انحصار گروهی خاص قرار داشت. انقلاب ژانویه برای کسب آزادی و کرامت انسانی و حقوق ضایع شده مردم در طول ۳۰ سال حکومت «حسنی مبارک» آغاز شد؛ وی تمام راه‌های دموکراسی

می‌کنیم. مردم مصر تمام حقوقی که در جریان انقلاب ژانویه به دست آورده بودند، اکنون از دست داده‌اند که از جمله مهم‌ترین آنها حق آزادی بیان و تظاهرات است. البته علیرغم این شرایط نیز در سال‌های گذشته، تظاهرات منظمی از سوی مردم مصر صورت گرفته است. هر کس که تظاهرات کرده، یا در زندان است یا در قبر. مسئله قتل و کشتار واقعا به امری عادی تبدیل شده است. در سال ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ میلادی هزاران مصری به دلیل تظاهرات برای حق آزادی بیان در میدان شهر به قتل رسیدند. زمینه برای شروع مجدد انقلاب فراهم است اما مشخص نیست چه زمانی مجدداً شعله‌ور شود.

باتوجه به محدودیت‌های اعمال شده علیه نامزدهای انتخابات آینده ریاست جمهوری مصر، آیا این انتخابات واقعا به صورت دموکراتیک برگزار خواهد شد یا اینکه صرفاً یک نمایش تبلیغاتی است؟

این انتخابات نیست بلکه فقط یک نمایش نامه است. زیرا برخی از نامزدها از روند انتخابات کنار گذاشته شدند، برخی هم مانند من تبعید شدند و ده‌ها تن دیگر نیز

می‌شود و با ارزش‌هایی که بدان معتقدیم سازگاری ندارد. بنابراین کنار گذاشتن تفکر یا جناحی خاص از عرصه سیاست به معنای فقدان حیات سیاسی است. زیر فعالیت این نوع گروه‌ها حق آنهاست.

باتوجه به این که یکی از آرمان‌ها در سطح جامعه مصر مسئله فلسطین بوده است، با این حال در دوره السیسی ما شاهد حرکت دولت بر خلاف این جریان و حتی تشدید محاصره نوار غزه فلسطین هستیم. این رویکرد دولت در قبال مسئله فلسطین و همچنین روابط دولت السیسی با رژیم صهیونیستی چگونه ارزیابی می‌شود؟

در حال حاضر توجه مصر به اسرائیل است و وزارت خارجه واقعی مصر، اسرائیل می‌باشد که قاهره موضع خود در عرصه بین‌الملل را با آن هماهنگ می‌کند. عبدالفتاح السیسی به نفع دولت صهیونیستی کار می‌کند و منافع مردم و کشور مصر برایش اهمیت ندارد. اسرائیل فردی همانند السیسی نیافته و نخواهد یافت که اینچنین منافعش را با او هماهنگ کند.

در یکسال اخیر ما شاهد اعتراضات وسیع و فراگیر در مصر نبوده‌ایم. این وضعیت آیا بدلیل فقدان رهبری فراگیر در سطح جامعه مصر بوده است؟ یا نشان دهنده این است که مردم مصر به شرایط جاری راضی شده‌اند؟

طبیعتاً اینگونه نیست و این سکوت نشانگر رضایت از وضعیت موجود نمی‌باشد. زیرا حالتی از خوف و هراس در مصر وجود دارد و مادر جمهوری خوف و ترس زندگی

وابسته بود. انتخابات در زمان مبارک متقلبانه بود و مردم مصر احساس می‌کردند، سزای مخالفت و مقابله با حسنی مبارک، زندان است. همین موضوع نیز یکی از دلایل آزادی خواهی مردم در جریان انقلاب شد. معتقدم که شرایط کنونی مصر هم همانند شرایط پیش از انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ میلادی است. زیرا تمام راه‌های دموکراسی و تغییر به روی مردم بسته است. انقلاب ژانویه از تفکر استقلال حمایت و بانفوذ صهیونیسم در منطقه نیز مقابله می‌کرد. همچنین انقلاب مردم مصر از فلسطینی‌ها و حق بازگشت آنها به وطنشان پشتیبانی می‌کرد. انقلاب بر این باور بود که مصر بخشی از اردوگاه شرق و غرب نیست. همین اهداف نیز موجب شد که امارات و سعودی‌ها ضمن ائتلاف با برخی کشورهای غربی به مقابله با انقلاب ژانویه مصر بپردازند و هدف انقلاب که حکومت مردم بر مردم بود را خنثی کرده و اکنون با گذشت فقط چند سال از سقوط حسنی مبارک، شاهد حکومت مجدد نظامیان بر کشور هستیم.

طی دوره بعد از روی کار آمدن السیسی ما شاهد نوعی رخوت و بی‌تحرکی در میان جریان‌ها و احزاب سیاسی به ویژه اخوان المسلمین هستیم که شاید بخشی از آن مرتبط با شرایط امنیتی باشد که دولت السیسی ایجاد کرده است. با توجه به این روند چه زمانی ما می‌توانیم شاهد بازگشت احزاب و بخصوص اخوان المسلمین به فرآیندهای سیاسی مصر باشیم؟

من معتقدم که فضای سیاسی مصر علاوه بر اینکه تحت محاصره است، به دلیل وجود زور و اجبار تبدیل به فضای اختناق و مرگ شده است. ده‌ها هزار نفر از اعضای جریان‌های سیاسی از جمله لیبرال‌ها، اسلام‌گرایان و غیره در بازداشت به سر می‌برند که البته اکثر آنها اسلام‌گرا می‌باشند. نوعی از قهر و زور در کشور حاکم است و مادر حالتی از خوف و هراس در مصر زندگی می‌کنیم. من معتقدم که بازگشت جریان‌های فکری و اندرز اخوان المسلمین به عرصه سیاسی امری طبیعی است و دورنگه داشتن آنها از این فضا، تفکری غیر دموکراتیک محسوب

مردم مصر انتخابات پیش روی ریاست جمهوری را تحریم خواهند کرد و ما نیز مردم را به تحریم انتخابات دعوت می‌کنیم. زیرا این نمایش نامه، انتخابات نیست و علاوه بر اینکه فاقد مشروعیت است، از منطق نیز برخوردار نیست

بازداشت و روانه زندان‌ها شدند. تمام اینها زمینه را برای برگزاری روندی نمایشی و مضحک به نام انتخابات فراهم کرده است ولی مردم مصر این انتخابات را تحریم خواهند کرد و ما نیز مردم را به تحریم انتخابات دعوت می‌کنیم. زیرا این نمایش نامه، انتخابات نیست و علاوه بر اینکه فاقد مشروعیت است، از منطق نیز برخوردار نیست. همچنین انتخابات مذکور به دور از واقعیت و بدون اعطای حقوق دموکراتیک مردم و تضمین صورت خواهد گرفت.



◀ **در خواست اتحادیه اروپا برای ادامه حمایت‌ها از «آنروا»**
رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا با درخواست ادامه حمایت‌ها از سازمان امداد و کار آوارگان فلسطینی (آنروا) گفت: کار این سازمان برای چشم انداز توافق میان اسرائیل و فلسطین بسیار مهم و حساس است. قدریکا موگرینی، رئیس سیاست خارجه اتحادیه اروپا گفت: این سازمان فضای سیاسی برای دستیابی به یک توافق صلح و ایجاد یک دولت فلسطین را فراهم می‌کند. آنروا همچنین برای روند سیاسی در غزه مهم است. او در ادامه اظهاراتش خواستار "مصالحه فلسطینیان" شد و گفت: این مصالحه برای آینده یک دولت فلسطینی لازم و ضروری است. در کنار نقش این سازمان در روند صلح فلسطین و اسرائیل "آنروا" نقش مهمی در ایجاد ثبات در سراسر خاورمیانه دارد.

[قبله اول]

تحلیلی بر رشد فزاینده نزدیکی مقاومت اسلامی فلسطین به ایران

حماس؛ انقلابی تر از همیشه



سعودی و دیگر کشورهایی که دل خوشی ندارند و همچنان به جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها حامی واقعی و وفادار مقاومت می‌نگرد. در همین ارتباط، «اسماعیل رضوان» عضو ارشد حماس می‌گوید: «نامه هنیه به رهبر انقلاب نشان دهنده روابط راهبردی حماس با ایران است».

جام غضب آمریکایا تحریم سرازیر شد

برآیند آنچه که پیشتر ذکر شد، موجب شد تا ایالات متحده جام غضب خود را با تحریم اسماعیل هنیه و قرار دادن نام وی در لیست سیاه، بر سر جنبش حماس سرازیر کند. وزارت خزانه‌داری آمریکا با متهم کردن رئیس دفتر سیاسی حماس به ارتکاب اعمال تروریستی، وی را در فهرست تحریم خود قرار داد. در این فهرست همچنین نام جنبش «الصابرین» فلسطین نیز به چشم می‌خورد. پرواضح است که نزدیک تر شدن جنبش حماس به ایران و فاصله گرفتن آن از متحدان منطقه‌ای آمریکا و در رأس آن‌ها عربستان به هیچ وجه به مذاق دولتمردان آمریکایی خوش نیامده و آن‌ها با هدف انتقام جویی از سیاست‌های جدید حماس و تأکید این جنبش بر تحکیم روابط با تهران، چنین تحریمی را علیه هنیه اعمال کرده‌اند.

سخن پایانی

نزدیک تر شدن بیش از پیش جنبش مقاومت اسلامی حماس به جمهوری اسلامی ایران طی حدود یک سال گذشته از یک سو و به راه افتادن موج جدیدی از انتفاضه‌های مردمی در اراضی اشغالی و همچنین حمایت‌های گسترده ملت‌های مسلمان و آزاده از قدس اشغالی پس از تصمیم رئیس جمهور آمریکا مبنی بر شناسایی این شهر به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی از سوی دیگر، موجب شده است تا امروز شاهد پدیدار شدن فضایی به مراتب انقلابی تر و جهادی تر از گذشته در سرزمین‌های اشغالی باشیم؛ فضایی که بدون شک ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت اسلامی این کشور را قادر خواهد ساخت تا راحت تر از گذشته به تحقق اهداف و آرمان‌های فلسطین بپندیشند و در راستای عملیاتی ساختن آن‌ها برآیند.

تماسی که خناسان را ناکام گذاشت

پس از اتفاقات ناشی از شناسایی قدس اشغالی به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی توسط «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا بود که گوشه‌ای از روابط مستحکم و استراتژیک میان ایران و جنبش مقاومت اسلامی حماس ظهور و بروز پیدا کرد. سردار سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران ایران در یک تماس تلفنی با السنوار پس از اقدامات ترامپ علیه بیت المقدس، بر عزم تهران برای ارائه هر گونه حمایت از قدس اشغالی و گروه‌های مقاومت، تأکید کرد. به گفته السنوار، سردار سلیمانی به او گفت که تمامی امکانات در نبرد دفاع از قدس اشغالی در اختیار حماس است و سپاه پاسداران و نیروی قدس در کنار مردم فلسطین حضور دارند. سردار سلیمانی همچنین به صورت تلفنی با فرماندهان گردان‌های «عزالدين القسام» و «سریا القدس» شاخه‌های نظامی حماس و جهاد اسلامی، گفتگو کرد. علنی شدن و اعلام رسمی این تماس‌های تلفنی در واقع، به مثابه آب سردی بود بر روی تملی تلاش‌های خناسانی که سعی می‌کردند روابط میان تهران و حماس را تنش آلود جلوه دهند.

خط بطلانی بزرگ بر یک توهم

در روز ۲۸ دی‌ماه سال جاری اما اتفاق دیگری رقم خورد تا عمق روابط میان ایران و جنبش حماس نمایان تر شده و بر تمامی مطالب مطرح شده توسط بنگاه‌های خبری دروغ پر اکن و وابسته به واشنگتن و ریاض در خصوص توهم فاصله گرفتن حماس از تهران، خط بطلانی کشیده شود. هنیه به «آیت الله خامنه‌ای» رهبر معظم انقلاب اسلامی نامه‌ای بی سابقه و پر محتوا نوشت. رئیس دفتر سیاسی حماس در این نامه با اشاره به ابعاد توطئه بزرگ استکبار علیه قدس و ملت فلسطین با هدف سرنگون کردن غزه به عنوان «قلعه مقاومت»، از حمایت‌های ملت ایران و هدایت‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی از مقاومت قدر دانی کرد. این نامه و محتوای آن نشان داد که حماس نه تنها از استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم برائت می‌جوید، بلکه از هم پیاله‌های آن‌ها همچون عربستان

السنوار نشان می‌دهد و همواره با ایران روابط حسنه‌ای داشته است.

تکمیل پازل نزدیک تر شدن به ایران

هنوز سه ماه از انتصاب یحیی السنوار به عنوان مسئول دفتر سیاسی جنبش حماس در نوار غزه نگذشته بود که خبر انتصابی جدید در این جنبش، به تیتراژ اول رسانه‌ها تبدیل شد. «اسماعیل هنیه» از هیران ارشد حماس در روز ۱۶ اردیبهشت ماه سال جاری به عنوان رئیس دفتر سیاسی این جنبش منصوب شد. این انتصاب در حالی صورت گرفت که در ست یک ماه پیش از آن، «آویگدور لیبرمن» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی صراحتاً وعده ترور هنیه را داده بود. بر اساس آنچه که گفته شد، انتصاب هنیه به عنوان مسئول دفتر سیاسی حماس پس از قرار گرفتن السنوار در رأس امور در نوار غزه، قطعات پازل نزدیک تر شدن جنبش حماس به جمهوری اسلامی ایران و متقابلاً، دور شدن هر چه بیشتر این جنبش از عربستان سعودی را تکمیل کرد. پس از چنین انتصاباتی در ساختار قدرت سیاسی حماس بود که تهدیدات نظامی

حمایت از مسئله فلسطین و پشتیبانی تمام عیار از گروه‌های مقاومت مستقر در این کشور به ویژه جنبش‌های «حماس» و «جهاد اسلامی» که در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی ایستاده‌اند همواره یکی از سیاست‌های اصولی و ثابت جمهوری اسلامی ایران بوده و هست. جمهوری اسلامی طی این سال‌ها هیچ تلاشی برای یاری رساندن به گروه‌های مقاومت جهت جامه عمل پوشاندن به اهداف و آرمان‌های ملت فلسطین، دریغ نکرده است. نتیجه این حمایت‌ها در سال‌های اخیر تحمیل سه شکست بزرگ به رژیم صهیونیستی از سوی گروه‌های مقاومت در جریان جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۳ روزه بوده است. با این وجود، پس از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ حرف و حدیث‌های زیادی پیرامون فاصله گرفتن جنبش مقاومت اسلامی حماس از جمهوری اسلامی ایران مطرح شد؛ حرف و حدیث‌هایی که در اغلب موارد، برای محور غربی-عربی و به ویژه ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی، بیش از واقعیت، شبیه یک رؤیا بود. با تمامی این‌ها، سیر تحولات حدود یک سال گذشته نشان می‌دهد که سران ارشد حماس امروز در بهترین شرایط برای مقابله با دشمن صهیونیستی و دفاع از آرمان‌های ملت فلسطین قرار دارند و روابط و مناسبات خود با ایران را نیز در برهه کنونی کاملاً راهبردی و استراتژیک تلقی می‌کنند.

شخصیتی جهادی در رأس امور

دقیقاً یک سال پیش یعنی در روز ۲۵ بهمن ماه سال گذشته جنبش مقاومت اسلامی حماس با برگزاری انتخابات داخلی خود، «یحیی سنوار» را به عنوان مسئول دفتر سیاسی این جنبش در نوار غزه و «خلیل الحیه» را به عنوان جانشین وی انتخاب کرد. پس از آن، رسانه‌های صهیونیستی به یحیی السنوار لقب «وزیر دفاع» جنبش حماس را دادند و تأکید کردند که وی از نزدیک‌ترین افراد به «محمد الضیف» فرمانده کل گردان‌های «عزالدين القسام» است. به دلیل سوابق جهادی السنوار، انتصاب وی به عنوان مسئول دفتر سیاسی حماس در غزه مورد خشم و غضب صهیونیست‌ها واقع شد. «آوی دیختر» رئیس کمیته روابط خارجی رژیم صهیونیستی ضمن هشدار نسبت به این انتصاب، گفت: «از هم اکنون باید به فکر تقویت و ارتقای توان نظامی خود به منظور تخریب زیرساخت‌های حماس باشیم، زیرا این جنبش ممکن است زودتر از آنچه گمان می‌کنیم از این زیرساخت‌ها علیه ما استفاده کند». اهمیت این انتصاب آنجاست که برخلاف رویه سال‌های گذشته که جنبش حماس اقدام

امروز شاهد پدیدار شدن فضایی به مراتب انقلابی تر و جهادی تر از گذشته در سرزمین‌های اشغالی هستیم؛ فضایی که بدون شک ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت اسلامی این کشور را قادر خواهد ساخت تا راحت تر از گذشته به تحقق اهداف و آرمان‌های فلسطین بپندیشند و در راستای عملیاتی ساختن آن‌ها برآیند

رژیم صهیونیستی علیه این گروه مقاومت اسلامی، در مقایسه با سال‌های گذشته افزایش چشمگیر و قابل تأملی پیدا کرد. مقامات صهیونیست به خوبی دریافته‌اند که معادلات جدیدی در حال رقم خوردن است؛ معادلاتی که ایران و حماس از بازیگران اصلی آن هستند.

به انتصاب افراد غیر نظامی و یا شخصیت‌های نزدیک به عربستان سعودی و قطر در چنین پستی می‌کرد، این بار شخصیتی نظامی، جهادی و غیرنزدیک به ریاض و دوحه را در این پست گمارد. رسانه‌های صهیونیستی، خود نیز به این مسئله اذعان داشته‌اند که سوابق



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[یاران آخر الزمانی]

◀ لهستان قانون ضد هولوکاست را تأیید کرد

رئیس جمهوری لهستان لایحه‌ای جنجالی را به امضا رساند که طبق آن کسانی که از عباراتی استفاده کنند که این کشور را همدست در اتفاقات مربوط به هولوکاست نشان بدهد، به زندان محکوم می‌شوند. اما این اقدام با انتقاد رژیم صهیونیستی و آمریکا همراه شد. اندژی دودا، رئیس جمهوری لهستان در سخنانی تأکید کرد این قانون از وجهه بین‌المللی لهستان حفاظت می‌کند اما رژیم صهیونیستی خواستار اصلاح آن شده و مدعی است دو طرف مسوولیت مشترکی برای حفظ خاطره هولوکاست دارند. ایالات متحده آمریکا هم از اقدام دودا ابراز تأسف کرد.



مروری بر زندگی سراسر حماسه اسطوره مقاومت اسلامی «شهید عماد مغنیه»

مردی که با شهادتش از پس پرده گمنامی برون آمد



۱۴ فوریه ۲۰۰۸؛ روزی است که هزاران هزار نفر از دوستانداران مقاومت اسلامی برای تشییع پیکر فرمانده جهادی حزب الله به خیابان‌های ضاحیه جنوبی بیروت آمده‌اند؛ چشم‌های مردم گریان است و چشم‌های آسمان هم. یاران می‌بارد و تابوت «حاج رضوان» را که با پرچم حزب الله پوشانده شده، شست و شو می‌دهد. ضاحیه جنوبی بیروت بارها و بارها شاهد حضور پرشور مردم برای تشییع شهدا بوده، اما نه مانند این تشییع. این جمعیت برای تشییع پیکر کسی به خیابان آمده‌اند که پیش از این هرگز او را نمی‌شناخته‌اند و هرگز اسم او را نشنیده‌اند مگر آن که تبلیغات آمریکایی‌ها به گوششان خورده باشد که برای «عماد مغنیه» خط و نشان می‌کشیدند و برای سرش میلیون‌ها دلار جایزه تعیین می‌کردند. این مردم هرگز «عماد مغنیه» را نمی‌شناخته‌اند و اگر او به شهادت نمی‌رسید، پس از آن هم هرگز او را نمی‌شناختند؛ چرا که زندگی مردانی چون عماد این گونه است: نهایت تلاش و فداکاری، رسیدن به بزرگترین دستاوردها و پیروزی‌ها و دست‌آخر، گمنامی مطلق. و مردانی چون عماد، از پشت پرده گمنامی بیرون نمی‌آیند، مگر آن هنگام که به شهادت رسیده باشند.

عماد از روزهای آغازین نوجوانی‌اش، سر پرسودایی داشت؛ آن‌گاه که کلاس درس در دانشگاه آمریکایی بیروت - یکی از بهترین دانشگاه‌های غرب آسیا - را ترک کرد و به عضویت سازمان آزادی‌بخش فلسطین درآمد - سازمانی که البته هنوز قدم در راه صلح با اسرائیل نگذاشته بود - چیزی نگذشت که عماد نوجوان، با هوش و استعداد سرشارش، به عضویت «نیروی ۱۷» درآمد؛ نیروی ویژه سازمان آزادی‌بخش فلسطین. و علی‌رغم این که فضای غالب میان مبارزان فلسطینی در آن سال‌ها، چپ‌گرایی و مارکسیسم بود، عماد - با رابطه مداوم و مستمری که با آیت‌الله سید محمد حسین فضل‌الله داشت - جزء معدود اعضای نیروی ۱۷ به شمار می‌آمد که به اسلام معتقد بود و به احکام شرعی عمل می‌کرد.

ششم ژوئن ۱۹۸۲، روزی بود که ارتش رژیم صهیونیستی، لبنان را مورد تهاجم قرار داد و علی‌رغم مقاومت نه‌چندان قدرتمند نیروهای حاضر در جنوب لبنان، توانست تنها چند روز بعد به دروازه‌های بیروت برسد. پیشروی نسبتاً سریع ارتش اسرائیل، این جابود که متوقف شد؛ جنوب بیروت، جوانانی همچون عماد مغنیه با سلاح‌های سبک سعی می‌کردند مانع ورود ارتش اسرائیل به بیروت شوند. همین جا و همین روزها بود که گروهی از شیعیان انقلابی طرفدار امام خمینی (ره) شکل گرفت که بعدها نامی باسما برای خود انتخاب کردند: «حزب الله»؛ حزب خدا،

حزب مردان خدا.

و عماد، همراه با معدودی از دوستانش که به تازگی سازمان آزادی‌بخش فلسطین را ترک گفته بودند و گروه خودشان را تشکیل داده بودند، به دلیل هوش و استعداد فراوان در مسائل نظامی و امنیتی و البته تجربه‌اش در «نیروی ۱۷»، فرماندهی بخش مهمی از عملیات علیه نیروهای اشغالگر صهیونیستی را برعهده گرفت.

آوریل ۱۹۸۳، خودرویی پر از مواد منفجره وارد ساختمان سفارت آمریکا در بیروت شد و لحظاتی بعد، ساختمان سفارت ویران شد. زمان‌بندی عملیات نشان‌دهنده هوش و گستردگی اطلاعات طراحان عملیات بود: انفجار در دست زمانی صورت گرفت که رؤسای پایگاه‌های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) در خاور میانه و جنوب آسیا برای شرکت در جلسه‌ای به سفارتخانه آمده بودند و این گونه بود که بزرگترین فاجعه برای CIA بوجود آمد: ۱۷ تن از مهم‌ترین اعضای این سازمان، کشته شدند.

اکتبر همان سال، انفجاری دیگر، ساختمان تفنگداران دریایی آمریکا در نزدیکی فرودگاه بیروت را ویران کرد. سربازان اشغالگری که تحت عنوان «عملیات صلح آمیز» به بیروت فرستاده شده بودند اما چه کسی

بود که نداند که آمریکایی‌ها در نزاعی که یک طرفش ارتش اسرائیل باشد و طرف دیگر فلسطینی‌ها، نمی‌توانند بی‌طرف بمانند؟ تفنگداران دریایی آمریکا اشغالگر بودند و مأموریت‌شان در راستای کمک به اسرائیل و همین، کفایت می‌کرد. نزدیک به ۲۰۰ تن از سربازان آمریکایی، در عرض چند ثانیه کشته شده بودند؛ دیگر جایی برای سربازان آمریکایی در لبنان نبود. باقی‌مانده سربازان آمریکایی به سرعت خاک لبنان را ترک گفتند.

این جابود که انگشت اتهام آمریکایی‌ها به سوی عماد نشانه رفت، سرویس‌های اطلاعاتی چندین کشور او را در صدر لیست سیاه خود قرار دادند و زندگی مخفیانه او که حالا به نام حاج رضوان شهره شده بود، آغاز شد. عماد به پس پرده رفته بود و دیگر از پس پرده گمنامی بیرون نمی‌آمد، تا ۲۵ سال بعد، آن هنگام که شهادت، او را از پس پرده گمنامی بیرون آورد.

آمریکایی‌ها از لبنان بیرون رانده شده بودند و حالا، نوبت سربازان ارتش رژیم صهیونیستی بود. قدم به قدم، عملیات حزب الله علیه پایگاه‌های ارتش اسرائیل و گشتی‌های اسرائیلی، سازمان یافت و افزایش پیدا کرد. ارتش اسرائیل نه‌می‌توانست جنوب لبنان را ترک گوید و نه‌می‌توانست در آن جا بماند. عملیات‌هایی که عماد و دوستانش طرح ریزی و سازماندهی می‌کردند دمار از روزگار صهیونیست‌ها در آورده بود و خواب را از چشمانشان ربوده بود و نهایتاً، ۲۵ ماه مه سال ۲۰۰۰، ارتش رژیم صهیونیستی - که قبل از این برای خودش هیبتی داشت و ارتش‌های قدرتمند عربی را شکست داده بود - با تحقیر و خوارگی از جنوب لبنان فرار کرد.

اولین آرزوی عماد محقق شده بود: «جنوب لبنان آزاد شد». آن گونه که بعدها دوستانش روایت کردند هنگامی که مردم آواره با خوشحالی وارد روستاهای آزاد شده می‌شدند، عماد نیز همراهشان می‌دوید و شادی می‌کرد و هیچ کس از میان آن جمعیت، نمی‌دانست که این مرد میانسال خوش‌چهره، معمار این پیروزی است. جنوب لبنان آزاد شده بود اما چند مأموریت باقی

مانده بود: هنوز تعداد زیادی از رزمندگان در اسارت صهیونیست‌ها بودند و هنوز فلسطین و مسجد الاقصی در اشغال بود. برای به سرانجام رساندن مأموریت اول، عماد عملیاتی را طرح ریزی کرد که تابستان سال ۲۰۰۶ اجرا شد و در آن، ۲ سرباز اسرائیلی به اسارت نیروهای مقاومت درآمدند. (۲ سربازی که بعدتر، و بعد از به شهادت رسیدن عماد با تعداد زیادی از اسرا مبادله شدند) و برای انجام مأموریت دوم، عماد تمام توانش را به کار گرفت تا از امکانات حزب الله برای آموزش و تسلیح گروه‌های فلسطینی استفاده کند.

تابستان ۲۰۰۶؛ ارتش اسرائیل در پاسخ به عملیاتی که نیروهای مقاومت برای اسیر کردن دوسرباز صهیونیست اجرا کرده بودند، جنگی تمام‌عیار را آغاز کرد که ۳۳ روز به طول انجامید و بر خلاف آن چه تحلیل‌گران و خود صهیونیست‌ها پیش‌بینی می‌کردند، با شکست تمام عیار اسرائیل به پایان رسید. معمار و فرمانده این دومین پیروزی بزرگ حزب الله بر اسرائیل نیز عماد بود. ارتش اسرائیل که روزی ارتش‌های قدرتمند مصر و سوریه و اردن را تنها در عرض شش روز به خاک سیاه‌نشانند، حالا - به لطف مجاهدت‌ها و فداکاری‌های عماد مغنیه و هم‌زمانش - از یک گروه کوچک چریکی در کوه‌های جنوب لبنان شکست می‌خورد و اسرائیلی‌ها این گفته دیوید بن گوریون - اولین نخست‌وزیر اسرائیل - را خوب به یاد سپرده بودند که: «اسرائیل پس از آن که در اولین جنگش شکست خورد، رو به نابودی می‌گذارد» و این، اولین شکست همه جانبه صهیونیست‌ها در جنگی تمام‌عیار بود.

۱۲ فوریه ۲۰۰۸، منطقه امنیتی کفر سوسه، دمشق. صدای انفجاری به گوش می‌رسد و اندکی بعد، منطقه توسط نیروهای امنیتی سوریه قرق می‌شود. همان شب، خبری در دناک، دشمنان رژیم اشغالگر قدس را عزادار می‌کند: «عماد مغنیه، معاون جهادی حزب الله لبنان به شهادت رسید.» و از این شب، عماد از پس پرده گمنامی بیرون می‌آید..





ترکیه اولین پایگاه هوایی را در حومه ادلب سوریه می سازد

یک منبع مخالف سوریه گفت: هیئت نظامی وابسته به ارتش ترکیه از فرودگاه شهر ک تفتناز در حومه ادلب برای ایجاد پایگاه نظامی جدیدی در این فرودگاه بازدید کرد.
وی افزود: هیئت نظامی ترکیه با چهار خودرو وارد تفتناز در نزدیکی مناطق الفوعه و کفر یا شدند و بعد از بازدید به شهر سراقب و بعدا به مرزهای ترکیه بازگشتند.
ارتش ترکیه واکنشی به این اخبار نداشته است. منابع مخالف سوریه پیشتر اعلام کردند که ترکیه قصد دارد پایگاه هوایی در فرودگاه تفتناز فقط برای بالگردها ایجاد کند که یک اتاق عملیات مرکزی برای اداره تمامی مراکز نظارتی در حومه های حلب، ادلب، ساحل و حومه حماه باشد.

گزارشی از عملیات شهادت طلبانه شهید «احمد نصر جرار» در کرانه باختری

مهرداد خلیلی



آقازاده ای که صهیونیست ها را بی آبرو کرد



جنوب نابلس منجر شده، با واکنش مثبت نیروهای مقاومت و خشم سران اسرائیل مواجه شد. گلی این نکوت رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل با بررسی میدانی از محل عملیات نابلس وعده دستگیری سریع مجریان این عملیات جسورانه را به شهرک نشینان اسرائیلی داد. سربازان اسرائیلی اما قبل از این نکوت وارد عمل شده و روستاهای اطراف نابلس را یک به یک جست و جو کردند اما موفق به دستیابی به مجریان عملیات نابلس نشدند. همزمان با فشارهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیلی ها برای دستیابی به مجریان این عملیات قهرمانانه، خبری کوتاه رسانه های صهیونیست را به تکاپو انداخت.

نیروهای اسرائیلی بعد از یک هفته جست و جو و تلاش اطلاعاتی، در مجریان عملیات را در شهرک جنین (۳۰ کیلومتری شمال نابلس) یافتند و منطقه را به محاصره خود در آوردند. با امتناع مبارزان فلسطینی از تسلیم شدن، درگیری بین دو طرف آغاز شد که به شهادت یکی از مبارزان فلسطینی به نام احمد اسماعیل جرار منجر شد. هر چند خبر شهادت یکی از عاملان این عملیات باعث شادی نسبی اسرائیلی ها شد اما یک مسئله هنوز اسرائیلی ها را آزار می داد، احمد نصر جرار پسر عموی مبارزی که به شهادت رسیده بود، توانست از محاصره سنگین اسرائیلی ها فرار کند. بنابر گزارش منابع اطلاعاتی احمد نصر جرار فرمانده و مغز متفکر عملیات نابلس به شمار می رفت که هنوز دست عوامل موساد نتوانسته بود احمد را شکار کند.

اما احمد نصر جرار کیست و چرا به قهرمان امروزه مردم فلسطین تبدیل شده است؟

احمد نصر جرار فرزند شهید نصر جرار از فرماندهان نظامی جنبش حماس است که در سال ۱۹۹۴ در روستای وادی برقین به دنیا آمد. پدرش از مبارزان درجه یک کرانه باختری رود اردن بود که ید طولایی در مبارزات مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست داشت. شیخ نصر جرار در سال ۱۹۷۷ در حالی که ۱۹ سال

معمولا کلمه آقازاده بار معنایی منفی در میان جامعه ما دارد. صحبت از آقازاده گی ممکن است ذهن ها را به سرعت به سوی مسائل مادی و شهرت و یک حق ویژه دولتی و غیره هدایت کند، اما آقازاده گی برعکس معنایی که در داخل کشورمان دارد در بخشی از سرزمین مقاومت یعنی فلسطین معنای عینی متفاوتی دارد. آقازاده گی در فرهنگ مقاومت بیشتر از اینکه با مادیات و شهرت همراه باشد، با چفیه و گلوله همراه است. از دکتر محمود الزهار گرفته تا شهید احمد الجعیری و شهید نزار ریان و مابقی رهبران جریان مقاومت که همگی فرزندان خود را یا در راه مقاومت فدا کرده یا در این راه مقدس تربیت کرده اند. اخیرا یکی از آقازاده های جریان مقاومت که پدرش از قضا از فرماندهان درجه ۱ نظامی جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) بوده به شدت سیستم اطلاعاتی و نظامی اسرائیل در کرانه باختری رود اردن را به خود مشغول کرد. این آقازاده جوان که «احمد نصر جرار» نام دارد از حدود یک ماه پیش فکر و خیال شبانه روز نیروهای اطلاعاتی اسرائیلی شده است.

عملیات نابلس، ضربه ای غافلگیر کننده

انتظار انجام عملیات در کرانه باختری انتظار چندانی بی جایی نیست، خصوصا در دو - سه سال اخیر با بالا گرفتن موج عملیات های شهادت طلبانه با سلاح سرد این انتظار در سطح افکار عمومی مردم فلسطین و رهبران اسرائیلی بالاتر رفته است اما عملیات های ضربتی آن هم با سلاح گرم در کرانه باختری اتفاق غیر منتظره ای محسوب می شود. شب ۱۹ دی ماه گذشته یک خاخام تندروی اسرائیلی به ضرب گلوله مبارزان فلسطینی در جنوب نابلس به هلاکت رسید. جغرافیای محدود و بسته کرانه باختری و وجود مزدوران و جاسوسان اسرائیلی در سرتاسر این منطقه، انجام هر گونه عملیات با سلاح گرم را به سخت ترین حالت ممکن می رساند.

این عملیات که بر اساس گزارش ها به هلاکت یکی از افراد موثر در ساخت شهرک جدید «حفات گلعاد» در

اسرائیلی ها به لطف وجود مزدوران و صد البته همکاری امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین رد احمد را تا اردوگاه جنین در شمال کرانه باختری دنبال کرده بودند



بیشتر نداشت به دلیل پرتاب کوکتل مولتوف به سوی گشتی های اسرائیلی به ده سال حبس محکوم شد. بعد از آزادی به صفوف جنبش تازه تاسیس حماس پیوست و رهبری یکی از تیم های عملیاتی این جنبش در کرانه باختری رود اردن را به دست گرفت. وی در سال ۱۹۹۴ بار دیگر به زندان افتاد و این بار به چهار سال حبس محکوم شد.

شیخ نصر جرار در سال ۱۹۹۸ آزاد شد اما از فعالیتهای نظامی خود دست بر نداشت. در روز یکم ژانویه سال ۲۰۰۰ نیروهای اسرائیلی شیخ نصر را در روستای وادی برقین در غرب جنین محاصره کردند اما نتوانستند شیخ مبارز را به اسارت ببرند. یک سال بعد در حین انجام عملیات نظامی علیه اشغالگران اسرائیلی چند نارنجک اسرائیلی ها در چند سانتی متری شیخ منفجر شد که به قطع دو پا و دست راست وی منجر شد. سرانجام شیخ نصر جرار در روز ۱۴ آگوست ۲۰۰۲ در حالی که دو پای خود را از دست داده بود توسط جوخه های ترور اسرائیلی به شهادت رسید.

احمد جرار، آقازاده ای از تبار مقاومت

نام شهید نصر جرار در ذهن مردم فلسطین همواره به عنوان یکی از نمادهای مقاومت مسلحانه کرانه باختری به شمار می رفت اما این اسم از یک ماه پیش دوباره بر سر زبان ها افتاد. فرزند خلف شیخ نصر جرار یعنی احمد جرار در عملیاتی کاملا حساب شده خاخام تندرویی را به هلاکت رساند که نه تنها در گسترش شهرک نشینی ها نقش داشت بلکه بر مهدور الدم بودن مردم فلسطین تاکید داشت.

اسرائیلی ها به لطف وجود مزدوران و صد البته همکاری امنیتی تشکیلات خودگردان فلسطین رد احمد را تا اردوگاه جنین در شمال کرانه باختری دنبال کرده بودند. بعد از محاصره جنین و هشدار به احمد برای تسلیم شدن

و بی فایده بودن این هشدارها، درگیری آغاز شد که به شهادت پسر عموی احمد منجر شد اما خبر شو که کننده برای اسرائیلی ها فرار احمد نصر جرار مغز متفکر عملیات نابلس از محاصره هوایی و زمینی آن ها بود که حسابی آن ها را در بهت فرو برد.

دو روز بعد اسرائیلی ها به قصد دستگیری مجدد وی به روستای وادی برقین در غرب جنین یورش بردند که این بار مردم روستای وادی برقین با نظامیان صهیونیست درگیر شده و مانع از اسارت احمد و دستیابی صهیونیست ها به هدف خود شدند.

شهادت، میراث گرانبهای پدر برای فرزند

با ذوق و شوق در حال تکمیل این گزارش و نوشتن از دلاور کرانه باختری بودم که خبر شهادت احمد نصر جرار مانند آوار بر سرم فرود آمد. گرچه شهادت آرزوی احمد بود و او به آرزوی خود رسید اما احمد جان زود بود که از بین ما بروی، ما تشنه لگدمال کردن اسطوره پوشالینی هستیم که سال ها ست ادعای قدرت و هیبت را به رخ دنیا می کشد. تشنه آنیم که به دنیا نشان دهیم که جوان ۲۲ ساله محور مقاومت با دست خالی هم می تواند یک ماه تمام جبروت اطلاعاتی بنی صهیون را زیر کشیده و در هم بشکند. احمد تو نخواهی مرد، تو نماد نسل جدید مقاومت بودی و خواهی بود، مقاومتی که از کف خیابان های تهران آغاز و در کوچه های تنگ و تاریک بیروت و غزه ادامه و به کرانه باختری رسید. کرانه باختری که روزی مانند نوار غزه مسلح خواهد شد... باذن الله

گفتنی است شهید احمد نصر جرار صبح روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه بعد از یک ماه تعقیب و گریز در کرانه باختری در درگیری مسلحانه با نظامیان اسرائیلی در روستای الیامون در شمال غرب اردوگاه جنین به درجه رفیع شهادت نائل آمد و به پدر شهیدش پیوست.



ضمیمه هفتگی جهان اسلام روزنامه قدس

[قلب زمین]

◀ شهادت عالم شیعی نیجریه

شیخ «قاسم عمر سو کو تو» از علمای شیعه نیجریه به شهادت رسید. شیخ سو کو تو که از علمای شیعه نیجریه است حدود ۲۰ روز قبل پیش در حمله نیروهای پلیس نیجریه مجروح شده و به دلیل شدت مجروحیت سه شنبه گذشته به شهادت رسید. این عالم شیعه بر اثر اصابت گلوله به پا از طرف نیروهای پلیس نیجریه در راهپیمایی مسالمت آمیز شیعیان در شهر ابوجا زخمی شده بود. شیعیان نیجریه این راهپیمایی را به مناسبت دومین سالگرد بازداشت شیخ زکراکی برگزار کرده بودند.



«دکتر عباس بوصفوان» رئیس مرکز پژوهش‌های بحرین در لندن در گفت‌وگو با «بیت المقدس»:

گزینه امنیتی نمی‌تواند ثبات را برای بحرین به ارمغان آورد



مدتی است که تحركات خصمانه رژیم آل خلیفه علیه انقلابیون بحرین و به ویژه علما و روحانیون در این کشور تشدید شده است. نظامیان رژیم آل خلیفه در ادامه همین تحركات خصمانه اخیرا شماری از علما و روحانیون را بدون هیچگونه تفهیم اتهامی بازداشت کرده و به زندان انداخته‌اند. حکم حبس و سلب تابعیت «شیخ عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین نیز توسط دادگاه استیناف آل خلیفه تأیید شده است. طبق اعلام بخش آزادی‌های دینی مرکز حقوق بشر بحرین، شمار زیادی از شخصیت‌های انقلابی بحرین با حکم دادگاه‌های وابسته به آل خلیفه «ممنوع الخروج» شده‌اند. به موازات همین اقدامات خصمانه، آل خلیفه به تلاش‌های خود برای محاکمه «شیخ علی سلمان» دبیر کل جمعیت الوفاق به اتهام واهی جاسوسی برای دستگاه‌های خارجی ادامه می‌دهد.

در راستای همین تحولات به سراغ دکتر «عباس بوصفوان» رئیس مرکز پژوهش‌های بحرین در لندن رفتیم تا از واقعیت آنچه که در این کشور می‌گذرد، بیشتر آگاه شویم.

▼ دادگاه استیناف بحرین اخیرا حکم صادره از سوی دادگاه وابسته به آل خلیفه مبنی بر یک سال حبس علیه «شیخ عیسی قاسم» و سلب تابعیت وی را تأیید کرده است. ارزیابی شما از این اقدام خصمانه چیست؟

صدور چنین حکمی علیه شیخ عیسی قاسم در چارچوب یک طرح از پیش برنامه‌ریزی شده به منظور هدف قرار دادن علما و روحانیون در بحرین، صورت پذیرفته است. از زمانی که شیخ عیسی قاسم، رهبر شیعیان بحرین تحت اقامت اجباری قرار گرفته، فشارها علیه روحانیون نیز بیش از پیش گسترش یافته است. علت اصلی تشدید فشارها بر روحانیون هم این است که آن‌ها از همه ظرفیت‌های خود برای مقابله با اقامت اجباری ظالمانه علیه بزرگترین مرجع دینی در بحرین بهره‌برداری کرده و می‌کنند. درست به همین دلیل است که امروز شماری از علماء برجسته از جمله «سید مجید المشعل» در

تشدید شده است. شمار زیادی از شهروندان به سلب تابعیت، زندان، تبعید و اعدام محکوم شده‌اند. ارزیابی شما از اهداف این اقدامات خصمانه چیست؟

واقعیت این است که اوضاع نابسامان حقوق بشری تنها در بحرین محدود و محصور نمی‌شود. ما امروز می‌بینیم که اقدامات سرکوبگرانه و صدور احکام متعدد اعدام توسط دیگر رژیم‌های دیکتاتور ماب منطقه که آل خلیفه نیز یکی از آن‌ها محسوب می‌شود، روبه فزونی است. آل خلیفه مقابله با شخصیت‌های برجسته انقلابی را در دستور کار خود قرار داده است. زمانی که علامه «سید عبدالله الغریفی» تلاش می‌کند تا از طریق راهکارهای دیپلماتیک به بیان مخالفت خود با اقدامات منامه بپردازد، ما بر خورد سراسر کینه‌توزانه آل خلیفه را مشاهده می‌کنیم. البته طبیعی است. زمانی که رژیمی

در هر صورت، تمامی این ابزارها، چه احکام اعدام و چه احکام زندان و سلب تابعیت، جملگی غیرقانونی هستند. دادگاه‌هایی که چنین احکامی را صادر می‌کنند، دادگاه‌های فرمایشی هستند که با اغراض مسائل را دنبال می‌کنند. هرگاه که شدت تحركات مردمی و انقلابی در بحرین بیشتر می‌شود، آل خلیفه نیز بیش از پیش به ابزارهای گوناگون جهت مواجهه با اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی مبادرت می‌ورزد. این رژیم برای توجیه نحوه تعامل شنیع خود با انقلابیون، آن‌ها را به افراطی‌گری و ترور بسم متهم می‌سازد.

▼ گفته می‌شود که آل خلیفه برای انقلابیون بحرینی «اتاق‌های مرگ» تشکیل داده است. هدف اصلی منامه از این اقدام چیست؟

گزارش‌های متعددی وجود دارد مبنی بر اینکه دستگاه‌های امنیتی وابسته به آل خلیفه اقدام به ایجاد اتاق‌ها و زندان‌های سری کردند که زندانیان سیاسی و شخصیت‌های انقلابی عمدتاً به آنجا منتقل می‌شوند. از این اتاق‌ها تحت عنوان «اتاق‌های مرگ» یاد می‌شود. عناصر نظامی آل خلیفه در این اتاق‌های مخوف تنها به شکنجه روحی و جسمی زندانیان سیاسی نمی‌پردازند، بلکه آن‌ها را به اشکال مختلف می‌آزارند و تهدید می‌کنند که خودشان و خانواده‌هایشان را مورد تجاوز قرار خواهند داد. مقامات رژیم منامه گوش‌های خود را کر کرده‌اند تا فریاد نهادهای سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی را نشنوند؛ نهادهایی که خواستار بسته شدن اتاق‌های مرگ و پایبندی آل خلیفه به قوانین بین‌المللی حقوق بشری هستند.

نهادهای سازمان‌های بین‌المللی بارها از آل خلیفه خواسته‌اند تا مجوز تحقیقات در خصوص وضعیت حقوق بشری در بحرین را صادر کند. با این حال، این درخواست همواره با مخالفت رژیم آل خلیفه مواجه شده است. سازمان‌های بین‌المللی همواره از رژیم منامه خواسته‌اند تا شرایط برای گفتگو با مخالفان را فراهم آورد، اما این درخواست نیز با پاسخ مثبت مقامات آل خلیفه مواجه نشده است. آنچه که اکنون به نظر می‌رسد این است که آل خلیفه اتاق‌های مرگ را به اتاق‌های مذاکره و گفتگو

ترجیح می‌دهد. ▼ آل خلیفه «شیخ علی سلمان» را به جاسوسی برای قطر متهم ساخته است. این رژیم تاکنون چند جلسه دادگاه در این خصوص تشکیل داده و سپس آن‌ها را به تعویق انداخته است. ارزیابی شما از منتسب کردن این اتهامات به شیخ سلمان چیست؟

مدت‌هاست که رژیم آل خلیفه عادت کرده تا اعتراضات مردمی در بحرین را به جمهوری اسلامی ایران ارتباط دهد. با این حال، زمانی که بحران میان این رژیم و متحدان آن با دولت قطر به نقطه اوج خود رسید، مقامات منامه دریافتند که علاوه بر ایران، دشمنان دیگری هم در منطقه دارند که می‌توانند اعتراضات داخلی را به آن منتسب کنند. سخن گفتن از جاسوسی «شیخ علی سلمان» برای دستگاه‌های قطری در همین چارچوب می‌گنجد. این اتهامات، کاملاً واهی و غیرمسئولانه هستند. هدف اصلی از متوجه ساختن چنین اتهاماتی به یکی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های انقلابی، خدشه وارد کردن به چهره مخالفان رژیم است. این اتهامات تنها و تنها با اهداف سیاسی مطرح می‌شوند و وجاهت قانونی ندارند.

▼ وزیر خارجه بحرین می‌گوید که عربستان سعودی، ستون امت اسلامی است. نظر شما در خصوص این اظهار نظر عجیب با توجه به نقش مخرب ریاض در بحرین و منطقه چیست؟

چگونه می‌توان از عربستان سعودی به عنوان ستون امت اسلامی نام برد در حالی که مقامات ریاض در راستای نزدیکی هرچه بیشتر با رژیم صهیونیستی گام برمی‌دارند؟ چگونه می‌شود از عربستان به عنوان ستون امت اسلامی نام برد در حالی که این کشور میلیاردها دلار از اموال همین امت را به واشنگتن تقدیم می‌کند تا این پول را علیه مسلمانان به کار گیرد و مانع از ورود آن‌ها به ایالات متحده آمریکا شود. بلکه کسانی که برخلاف مسیر حرکت ملت‌ها گام برمی‌دارند، طبیعی است که عربستان سعودی را به عنوان ستون امت اسلامی معرفی کنند.

مقامات رژیم منامه گوش‌های خود را اگر کرده‌اند تا فریاد نهادهای سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی را نشنوند؛ نهادهایی که خواستار بسته شدن اتاق‌های مرگ و پایبندی آل خلیفه به قوانین بین‌المللی حقوق بشری هستند

علیه «شیخ عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین و «شیخ علی سلمان» دبیر کل جمعیت الوفاق وارد عمل می‌شود، انتظار نمی‌رود که علیه دیگر شخصیت‌های انقلابی دست به اقدامیزند.

بله درست است؛ اقدامات آل خلیفه علیه انقلابیون بیش از هر زمان دیگری تشدید شده است. صدور احکام اعدام علیه شخصیت‌های انقلابی به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است. علت این مسئله هم به شکست ابزارهای دیگر آل خلیفه برای رویارویی با انقلابیون بازمی‌گردد. آل خلیفه به این نتیجه رسیده است که صدور احکام زندان، سلب تابعیت و اعمال شکنجه علیه انقلابیون نتیجه‌ای جز تداوم خیزش مردمی ندارد. به همین دلیل مقامات منامه به صدور احکام اعدام متوسل شده‌اند.

زندان‌های آل خلیفه به سر می‌برند. آیت‌الله عیسی قاسم سلب تابعیت شده و در اقامت اجباری به سر می‌برد. «شیخ محمد سند» تبعید و سلب تابعیت شده، «شیخ حسین النجاشی» نیز تبعید و سلب تابعیت شده است. این در حالی است که شیخ «عبدالجلیل المقداد» به حبس ابد محکوم شده و در زندان است. سرکوب شدید روحانیون و در رأس آن‌ها شیخ عیسی قاسم به این دلیل است که آل خلیفه آن‌ها را هسته اصلی تحركات انقلابی در بحرین می‌داند. در هر صورت، واضح است که گزینه امنیتی نمی‌تواند ثبات را برای بحرین به ارمغان آورد.

▼ طی ماه‌های اخیر صدور احکام ظالمانه علیه انقلابیون بحرینی توسط دادگاه‌های آل خلیفه



بوی بهار

مجتبی رحماندوست

ماندیدیم به غیر از سازش
نسل ما، شاهد تسلیم و سکوت
شاهد سازش و ننگ
و فراتر ز سکوت
ما خیانت دیدیم
ز خم خنجر بر پشت
ما به زندان خودی در بندیم
کاخ شاهان مسلمان و عرب
همه در خدمت تکراری تلخ
همه مأمور به پژواک سکوت
گوی سبقت زرقیبان بردند
نور چشمان سران
ز یهودی و عرب
دست در جیب هم‌اند
همه در یک بنگاه
دور یک سفره نفت
سفره‌ای از زر ناب
دور خوانی از خون
و شرابی ز جنون
جامی از قهقهه ننگ کشیدن به سر
یاد آنان رفته است
کاین زمان صلح نوبل
دست جلادان است ...

خیلی دور خیلی نزدیک



دوشنبه گذشته جمعی از فعالان و مدافعان حقوق بشر در مقابل سفارت بحرین در لندن تجمع کردند / این عده به نشانه همبستگی و برای مطالبه آزادی «عبدالهادی الخواجه» که پس از آغاز انقلاب ۱۴ فوریه بحرین در سال ۲۰۱۱ زندانی شده و محکوم به حبس ابد است، تجمع کردند



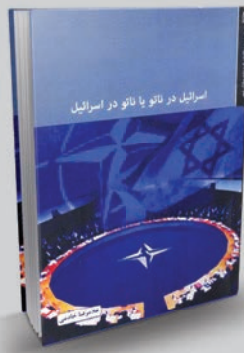
«تحولات مصر» را تخصصی دنبال کنیم



بدون شک «مصر» از مهمترین کشورهای عربی دنیاست که در سده‌های اخیر نقشی موثر و بعضاً تعیین کننده در تحولات جهان اسلام و نیز جهان عرب داشته است. هفت سال قبل در چنین ایامی این کشور که سالها تحت دیکتاتوری خاندان مبارک اداره می شد، شاهد انقلابی گسترده بود که همزمان با موج فراگیر بیداری اسلامی، در آنجا هم اتفاق افتاد. اگرچه این انقلاب سرنوشته تاریک پیدا کرد و از مسیر خود کاملاً خارج شده و سپس شرایط مصر به دوران مبارک بازگشت اما کماکان این کشور از جایگاه مهمی برخوردار بوده و اخبار تحولات آن برای علاقمندان مسائل جهان اسلام و موضوعات منطقه‌ای واجد اهمیت است. کانال تلگرامی «مطالعات مصر» از جمله معدود رسانه‌های فارسی زبانی است که تمرکز خود را تنها بر اخبار این کشور قرار داده و بطور مستمر تحولات مصر را در کانال خود منعکس می کند. انتشار اخبار رسمی مصر و فعالیت‌ها و اظهار نظر مقامات و نهادهای رسمی این کشور از جمله بخش‌های ثابت این کانال است. همچنین باز نشر برخی تصاویر جذاب و کمتر دیده شده قدیمی و یا باز نشر عکس و فیلم‌های مرتبط با تحولات جاری مصر دسته دیگری از مطالب کانال است. در مجموع با نگاهی به مطالب کانال، می توان دریافت که محتوای آن در همراهی و نزدیکی با مواضع هیئت حاکمه کنونی مصر است. برای دسترسی به کانال مطالعات مصر باید از لینک <https://t.me/Egyptstudies> بهره گرفت



نسبت ناتو و اسرائیل چیست؟



«اسرائیل در ناتو یا ناتو در اسرائیل» عنوان کتابی است که غلامرضا خادمی آنرا به رشته تحریر درآورده است. این کتاب ضمن بررسی سطوح مختلف همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی کشورهای عضو ناتو با رژیم صهیونیستی، شرایط، زمینه‌ها و عواقب عضویت احتمالی این رژیم در ناتو را تشریح کرده است. نویسنده کتاب همچنین در این روند، تأثیرات ناشی از این عضویت را بر جبهه مقاومت بویژه حزب الله، حماس، سوریه و ایران بررسی کرده است. در بخشی از این کتاب آمده است: «برای درک ابعاد همکاری ناتو و اسرائیل یادآوری هم زمانی شکل گیری این دو از خاکستر آتش جنگ جهانی دوم، به پهنه حمایت از ارزش‌های انسانی مسیحی و یهودی، حایز اهمیت و دقت است... بر این اساس هر چه به سال‌های پایانی جنگ سرد نزدیک می شویم، دغدغه غرب نسبت به وضعیت اسرائیل شدت می یابد. در فضای پس از جنگ سرد، صدای دلوپس غرب برای تأمین و تضمین منافع خود در چارچوب تأمین و تضمین مصالح اسرائیل در تشویش آزاردهنده دومین تجاوز ناپرخدانه در دانه پیشین دو ناظم حاکم بر نظام بین المللی دوقطبی، بازتاب بیشتری یافت». اسرائیل در ناتو یا ناتو در اسرائیل از سوی انتشارات موسسه اندیشه سازان نور منتشر و روانه بازار نشر شده است.



«به وقت شام» روایت حاتمی کیا از داعش



به وقت شام فیلمی به کارگردانی و نویسندگی ابراهیم حاتمی کیا محصول سال ۱۳۹۶ است که این روزها اکرانش در جشنواره فیلم فجر با استقبال قابل توجه مخاطبان و منتقدان مواجه شده است. این فیلم که درباره داعش و تهدیدات امنیتی آن‌هاست، در ایران و سوریه ساخته شده است و تصویربرداری آن از ۶ خرداد ماه سال جاری آغاز و در روز ۲۹ شهریور ۱۳۹۶ به پایان رسید. «ماجرای فیلم در یک هواپیمای ایلوشین سوری می گذرد که خلبانی آن را دو خلبان ایرانی برعهده دارند و از سوی داعشی‌ها ربوده می شود و...» به وقت شام با توجه به مضمون و نیز بهره گیری از بازیگران بین المللی، قطعاً با استقبال مخاطبان خارجی هم مواجه خواهد شد. فیلمبرداری فیلم برعهده مهدی جعفری بود و «هادی حجازی فر» و «بابک حمیدیان» از بازیگران ایرانی فیلم هستند و جمعی از بازیگران مطرح سوری و لبنانی در این فیلم به ایفای نقش می پردازند. به وقت شام به تهیه کنندگی محمد خزاعی و از سوی سازمان رسانه ای اوج تولید شده و فیلم برداری آن در شهرهای تدمر و دمشق در سوریه و نیز در شهرک سینمایی دفاع مقدس در تهران انجام شده است.